

فرهنگ و تمدن اسلامی (۲)

مقدمه

گسترده شدن قلمرو اسلامی، موجب پدید آمدن تشکیلات سیاسی و سازمان‌های اداری و اجتماعی شد. در این درس، وضعیت این تشکیلات و سازمان‌ها و نیز جایگاه علوم، هنر و معماری در تمدن اسلامی بررسی و تحلیل خواهد شد.

سازمان و تشکیلات

۱- تشکیلات سیاسی

حاکمیت‌های متعارف در جهان آن روز بود. آن حضرت نه امپراطور بود و نه سلطان. اطاعت مردم از آن حضرت و ریاست او بر مناطق تحت سلطه حکومت اسلامی، با عنوان «رسول خدا ﷺ» بود که خداوند اطاعتش را بر مردم واجب کرده بود.^۱ اما پس از رسول خدا ﷺ، حاکمان اسلامی با لقب «خلیفه» حکومت می‌کردند؛ سپس عنوان «مَلِک» و «سلطان» نیز رایج شد. درباره دستیاران حکام نیز عنوان «وزیر» مطرح گشت.

الف) خلافت و سلطنت: واژه خلافت برگرفته از متون دینی است و در قرآن و سنت به کار رفته است. در قرآن کریم، حضرت هارون علیهِ السلام به عنوان خلیفه^۲ و

رسول خدا ﷺ پس از هجرت و استقرار در مدینه، به تشکیل حکومت اسلامی اقدام کرد. به تدریج با گسترش اسلام در جزیره العرب، و افزایش شمار مسلمانان، اقتضا می‌کرد که تشکیلات لازم برای اداره حکومت اسلامی فراهم آید. این تشکیلات در عصر رسول خدا ﷺ بسیار ساده بود، ولی پس از آن حضرت، به تدریج رو به تکامل نهاد و نهادهای اداری در تمدن اسلامی شکل گرفت.

شیوه حاکمیت رسول خدا ﷺ کاملاً متفاوت از

۱- در قرآن کریم، به آیات زیادی بر می‌خوریم که با تعبیر «اطيعوا الرسول»، مردم موظف به فرمان برداری از پیامبر خدا ﷺ شده‌اند؛ مثلاً:

آل عمران، ۳۲ و ۱۳۲؛ نساء، ۵۹؛ مائده، ۹۲؛ انفال، ۱ و ۲ و ۴۶؛ نور، ۵۴ و ۵۶؛ محمد، ۳۳

۲- «وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي»؛ اعراف، ۱۴۲

وزیر برادرش^۱ - حضرت موسیٰ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - معرفی شده است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز همواره، امیر مؤمنان علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به عنوان برادر، وصی، وزیر و خلیفه خود معرفی می‌کرد^۲. پس از رحلت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، کسانی که عهده‌دار حکومت شدند، عنوان «خلیفه رسول الله» را بر خود نهادند، و این عنوان جایگاه معنوی خاصی را به حاکم می‌داد. معاویه پس از رسیدن به حکومت، روش زندگی‌اش را همچون پادشاهان قرار داد. از این رو، عنوان «ملک» نیز بر او، اطلاق شده است. در طول دوره حاکمیت بنی‌امیه و بنی‌عباس، عنوان «خلیفه» همواره برای فرمانروای تمامی قلمرو مسلمانان به کار می‌رفت و برای حاکمان مناطق تحت فرمان آنان، عناوین سلطان، ملک و ... به کار می‌بردند.

(ب) وزارت: این واژه در قرآن و سنت به کار رفته و مقصود از آن، کسی است که حاکم را در امور حکومتی یاری می‌کند و طرف مشورت اوست. در قرآن کریم، هارون به عنوان وزیر حضرت موسیٰ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ معرفی شده، و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز، امیر مؤمنان علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به عنوان وزیر خود معرفی می‌کرد. پس از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا زمان عباسیان، این عنوان کاربرد نداشته است. در زمان عباسیان، قلمرو اسلامی گسترش یافت. از این رو، مقام وزارت پدید آمد تا خلیفه را در اداره قلمرو حاکمیتش یاری کند. نخستین وزیر بنی‌عباس، «ابوسلمه حفص بن سلیمان خَلال» بود. با خاندان ایرانی برمکیان، شکوه و جلال وزارت به اوج خود رسید.

وزارت در این دوران، بر دو گونه بود: وزارت تفویض و وزارت تنفیذ.

وزارت تفویض: در این نوع از وزارت، وزیر حق داشت در همه امور دخالت کند به جز سه امر: تعیین ولیعهد، برکنار کردن گماشتگان خلیفه، کناره‌گیری از وزارت بدون اذن خلیفه.

وزارت تنفیذ: در این نوع از وزارت، وزیر از خود، اختیاری نداشت و فقط امر خلیفه را اجرا می‌کرد. وی تنها، رابط بین مردم و خلیفه بود. درخواست‌های مردم را به خلیفه می‌رساند و فرمان‌های عزل یا نصب مأموران را به آنها ابلاغ می‌کرد. خلیفه می‌توانست دو وزیر تنفیذ، یکی رابط در امور مالی، و دیگری در امور نظامی داشته باشد؛ اما وزیر تفویض، یکی بیشتر نبود.

۲- سازمان‌های اداری و اجتماعی

بیشتر اشاره شد که در زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نهادهای اداری حکومت اسلامی، بسیار ساده بود و رفته رفته پیچیده‌تر شد. بخش‌هایی که عهده‌دار انجام امور اداری حکومت‌های پس از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودند با عنوان «دیوان» شناخته می‌شدند. این واژه، نخست، برای ثبت نام سربازان به کار رفت و پس از آن، بر هر نوع ثبت نامی اطلاق شد. تأسیس دیوان در تمدن اسلامی به عصر خلیفه دوم - عمر بن خطاب - باز می‌گردد. در عصر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز محاسبات مربوط به شماره سربازان و مقدار بیت‌المال وجود داشت، اما گسترش قلمرو اسلامی و انجام فتوحات، چنین اقتضا می‌کرد

۱- «وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِ هَارُونَ أَجِي»؛ طه، ۲۹ و ۳

۲- رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جریان یوم الانذار درباره امام علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«این، برادر، وصی و خلیفه من در میان شماست» (طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۳۲۱-۳۲۲؛ همچنین رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آغاز بعثت به امام علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فرمود: «تو پیامبر نیستی، ولی وزیر [من] هستی و در مسیر خیر قرار داری»؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲

بعدها وظایف دیگری نیز همچون سرپرستی امور لشکری مسلمانان و تهیه آمار کشته‌ها و زخمی‌ها برای آن مقرر شد. سرپرست این دیوان، «ناظر الجیش» نامیده می‌شد.

دیوان خراج یا استیفا: خراج، مالیاتی بود که از زمین‌های کشاورزی گرفته می‌شد. در این دیوان، مقدار خراج مربوط به هر قطعه زمین - بر اساس مساحت و میزان مرغوبیت آن - ثبت می‌شد. همچنین، ارسال خراج دریافتی به مرکز خلافت و چگونگی تقسیم آن بین مسلمانان، از وظایف دیگر این دیوان بود.

که دفاتر مخصوصی برای ثبت اسامی سپاهیان فراهم شود. در فاصله سال‌های ۱۵ تا ۲۰ ق اولین دیوان، یعنی دیوان جُند تأسیس شد. رفته رفته، دیوان‌های دیگری نیز پدید آمد. مهم‌ترین دیوان‌هایی که در قرون نخستین تأسیس شدند، عبارتند از:

دیوان جُند: وظیفه این دیوان، سرشماری و تهیه فهرستی از نام کسانی بود که در جنگ‌ها شرکت می‌کردند تا بتوانند سهم هریک را از بیت المال معین سازند. از این دیوان با عنوان «دیوان جیش» نیز یاد شده است و

یک توضیح

خراج از سه روش: مساحت، مقاسمه و مقاطعه جمع‌آوری می‌شد. این روش‌ها در سده‌های نخستین هجری شناخته و تاکنون به کار برده شده‌اند.^۱ در روش مساحت، بر اساس ابعاد زمین، مالیات اخذ می‌شد. در روش مقاسمه، به میزان محصول توجه می‌شد؛ و بالاخره، در روش مقاطعه، بدون توجه به مقدار زمین یا محصول، افراد باید هر ساله میزان معینی به صورت نقدی یا جنسی می‌پرداختند. گفتنی است امیرمؤمنان علی علیه السلام در یکی از خطبه‌هایش^۲، آرزو کرده بود که بتواند روش‌های غیر عادلانه‌ای - همچون روش مساحت - را که تا زمان خلافت آن حضرت رایج شده بود، از میان بردارد، زیرا روش عادلانه، اخذ مالیات، مطابق با محصول به دست آمده است و نه مقدار زمین.

حفاظت از آن معین شدند. به مرور زمان، این دیوان، به یکی از مهم‌ترین نهادهای مالی حکومت اسلامی تبدیل شد. اموال بیت‌المال، باید صرف نیازمندی‌های مردم و بالابردن سطح زندگی مسلمانان، تأمین حقوق رزمندگان، تهیه اسلحه، آزادسازی اسیران مسلمان و مانند آن می‌شد.

دیوان بیت‌المال: این دیوان محل نگهداری و ثبت اموالی بود که با عنوان خراج، غنیمت جنگی و دیگر درآمدهای دولت اسلامی به مرکز فرستاده می‌شد. پیشینه آن به عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله باز می‌گردد و در زمان خلیفه دوم، مکان مشخصی در کنار مسجد نبوی در مدینه، برای این منظور در نظر گرفته شد و نگهبانانی نیز برای

۱- بنگرید به: ولایتی، علی اکبر، بویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۲، ص ۱۳۴

۲- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۸، ص ۵۸، ح ۲۱



فرمانی از شاه اسماعیل صفوی

رسول خدا ﷺ باز می‌گردد؛ چرا که آن حضرت نیز اقدام به ارسال پیک‌هایی به نقاط مختلف کرد.

دیوان مظالم: وظیفه این دیوان، رسیدگی به شکایات طرح شده از سوی مردم بود. عالی‌ترین مرتبه در این دیوان، «قاضی القضاة» بود و در مراتب پایین‌تر «قاضی»‌هایی در خدمت این دیوان بودند. امروزه دادگستری و قوه قضائیه جایگزین این دیوان شده است.

دیوان حسبه: نهادی نظارتی بوده که از دوره مهدی عباسی (۱۵۸-۱۶۹ق) تأسیس شد و کسی که در رأس آن بود را «مُحتَسِب» می‌نامیدند. وی باید شرایطی همچون عدالت، اجتهاد و مرد بودن را دارا می‌بود. وظایف او نیز عبارت بود از:

دیوان برید: وظیفه این دیوان، خبررسانی، انتقال فرمان‌های حکومتی، و جمع‌آوری اخبار از نقاط مختلف و ارسال آنها به مرکز خلافت بود. این دیوان، به مرور زمان، نقش جاسوسی و امنیتی نیز پیدا کرد. دولت‌های اسلامی، همچنین، برای تسریع در امر خبررسانی، اقدام به ساخت شبکه گسترده‌ای از راه‌ها و برپایی کاروانسراهای بین راه کردند. در این کاروانسراها، اسبان تازه نفسی برای تعویض با اسبان خسته پیک‌ها، نگهداری می‌شد.

دیوان انشا: نام دیگرش، دیوان رسائل یا دیوان ترسل بود. مهم‌ترین وظیفه این دیوان، نگارش، تنظیم و ارسال نامه‌های حکومتی – به ویژه فرمان‌های خلیفه – به سراسر قلمرو اسلامی بود. پیشینه این دیوان، به عصر

گفتنی است، هرچند این نهاد به شکل رسمی از زمان مهدی عباسی پدید آمد، اما در حکومت کوتاه امیرمؤمنان علی علیه السلام آن حضرت راه‌هایی برای نظارت بر امور فرهنگی و اقتصادی و حکومتی قرار داده بود.

- ۱- نظارت بر امور بازار و مشاغل؛
- ۲- نظارت بر قیمت‌ها و درستی ترازوها؛
- ۳- نظارت بر امور مربوط به راه‌ها و ساختمان‌ها؛
- ۴- نظارت بر اخلاق عمومی و اجرای عبادات.

فکر کنید و پاسخ دهید

آیا می‌توانید معادل و مشابه دیوان‌های حکومتی در تمدن اسلامی را در دستگاه‌های اداری امروزی بیابید؟



۳- علوم، هنر و معماری

پیدایش و رشد تمدن اسلامی عرصه‌ای برای شکوفایی علوم در رشته‌ها و شاخه‌های گوناگون شد؛ و نیز زمینه‌ای مناسب برای بروز جلوه‌های زیبای هنری فراهم آمد.

یکی از تقسیم‌بندی‌های رایج برای علوم در قلمرو تمدن اسلامی، تقسیم آن به علوم دینی و غیر دینی است. مراد از علوم غیر دینی، دانش‌هایی است که پیدایش آنها ارتباط مستقیم به معارف دینی ندارد (نظیر فیزیک یا طب)، برخلاف علوم دینی که پیدایش آنها جز از ناحیه معارف دینی امکان‌پذیر نیست (نظیر تفسیر یا حدیث). در اینجا با وضعیت برخی از این علوم در تمدن اسلامی آشنا می‌شوید.



نخستین تقویم دنده‌دار که توسط یکی از نوابع دانشمند ایرانی به نام محمدبن ابی‌بکرین راشد ابری اصفهانی در حدود سال ۶۰۰ شمسی در اصفهان ساخته شد.

نصیرالدین طوسی ردّ شد. از دیگر منجمان مسلمان می‌توان از ابن هیثم، خوارزمی و بنو‌صباح^۱ نام برد.

فیزیک و مکانیک: دانش فیزیک و مکانیک

نزد مسلمانان به «علم الحیل» یعنی دانش ساخت ابزارهای مهندسی معروف بود. پیشتر، مصریان و رومیان، در علم مکانیک، پیشرفت‌های بسیاری کرده بودند، اما سهم یونانیان بیشتر بود. پس از آغاز نهضت ترجمه، مهندسان زبردستی در قلمرو اسلامی پدیدار شدند که نخستین و معروف‌ترینشان، سه برادر به نام‌های احمد، محمد و حسن – فرزندان موسی بن شاکر – بودند. کتاب الحیل، تألیف آنهاست که نخستین اثر تدوین شده در جهان اسلام در زمینه مکانیک به شمار می‌رود. از دیگر چهره‌های بارز در علم فیزیک و مکانیک، می‌توان به بدیع‌الزمان جزی، ابوعبدالله قرطبی، ابوالفتح خازنی و محمدبن احمد بیرونی اشاره کرد.

ریاضیات: در نهضت ترجمه، آثار بسیاری در موضوع ریاضیات، به عربی ترجمه شد و ریاضی‌دانان مسلمان، این دانسته‌ها را دست‌مایه پیشرفت‌های علمی خود کردند. مهم‌ترین اثر ریاضی که ترجمه شد، کتاب اصول هندسه، نوشته اقلیدس بود. نقش مهم مسلمانان در عرصه ریاضی، تلفیق آموخته‌های ریاضی یونان و هند و ابداع روش‌هایی تازه بود که بعدها به اروپا صادر شد. محمدبن موسی خوارزمی و غیاث‌الدین جمشید کاشانی مشهورترین ریاضی‌دانان مسلمان هستند.

نجوم: این علم، نزد مسلمانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود؛ زیرا تفکر و تدبر در آسمان‌ها و ستارگان، برای پی بردن به عظمت خالق هستی، در آیات و روایات، مورد تأکید قرار گرفته است. ترجمه نوشته‌های بطلمیوس کمک زیادی به افزایش دانش نجوم مسلمانان کرد؛ اما آنان نقدهایی را نیز متوجه آن کردند؛ از جمله نظریه «زمین مرکزی» بطلمیوس که توسط دانشمندانی همچون خواجه



منجمان مسلمان اندلس

۱- بنو‌صباح، سه برادر به نام‌های ابراهیم، محمد و حسن بودند که کتابی در نجوم تألیف کردند

طَبّ : این دانش، در اسلام جایگاه ممتازی دارد، به گونه‌ای که علم ابدان، هم‌ردیف علم ادیان آمده است. مسلمانان به زودی توانستند آموخته‌های پزشکی خود از دیگر ملت‌ها را بومی‌سازی کرده و رشد و توسعه دهند؛ زیرا شرایط موجود در کشورهای اسلامی، گاه اختصاص به این سرزمین‌ها داشت و در کتاب‌های یونانی و غیر آن نیامده بود. از معروف‌ترین پزشکان در قلمرو تمدن اسلامی، می‌توان به محمد بن زکریای رازی و ابوعلی سینا اشاره کرد که به ترتیب، آثار بسیار ارزشمندی همچون الحاوی و قانون را تألیف کردند.

شیمی : پیش از پدید آمدن علم شیمی، علم کیمیا رواج داشت. دانش کیمیا وسیله‌ای برای تبدیل فلزات پست؛ همچون مس و آهن، به طلا بود. شیمی‌دانان مسلمان، علم کیمیا را از شکل مخفی و خرافی خارج کرده و شکل تجربی و آزمایشگاهی به آن دادند و به پیشرفت دانش شیمی کمک شایانی کردند. از معروف‌ترین شیمی‌دانان مسلمان، می‌توان به جابر بن حیان – از شیعیان و اصحاب امام صادق علیه السلام – و محمد بن زکریای رازی اشاره کرد. مهم‌ترین اثر رازی در این زمینه، کتاب سزالاسرار است.

یک توضیح

در مجموعه‌های حدیثی، به روایات بسیاری بر می‌خوریم که در زمینه طب و علوم پزشکی، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام نقل شده است. کتاب‌های متعددی نیز با عناوین طب النبی صلی الله علیه و آله و سلم، طب الائمة علیهم السلام و طب الرضا علیه السلام تدوین شده که بعضی از آنها هم اکنون نیز موجود است. هر چند نمی‌توان تمامی روایات نقل شده در این زمینه را دارای سند صحیح دانست، اما در مجموع، اهتمام مسلمانان به عمل بر طبق روایات معتبر طبّی و بهداشتی معصومین علیهم السلام می‌تواند نقش خوبی در تأمین سلامت جسمی آنان داشته باشد.

فلسفه : این علم به بررسی مسائل مربوط به وجود و هستی می‌پردازد. در تمدن اسلامی، ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی (۱۸۵-۲۶۰ ق.) را باید اولین فیلسوف مسلمان دانست. از این رو، او را «فیلسوف العرب» نامیدند. وی آثاری در موضوع فلسفه به عربی ترجمه کرد. محمد بن زکریای رازی و سپس ابونصر فارابی، از دیگر فلاسفه مشهور مسلمانانند. فارابی به علت نقش علمی بزرگش، به «معلم ثانی» نیز معروف شده است.^۱

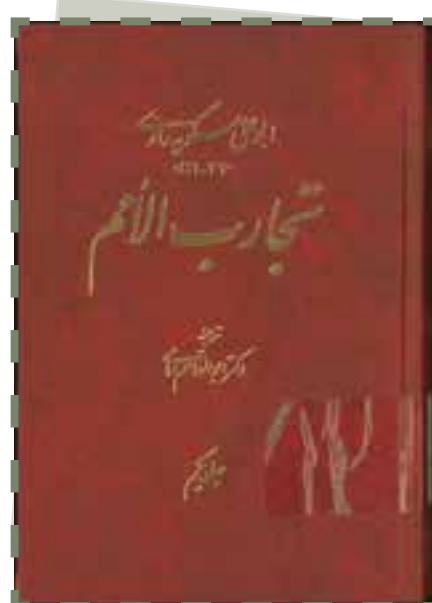
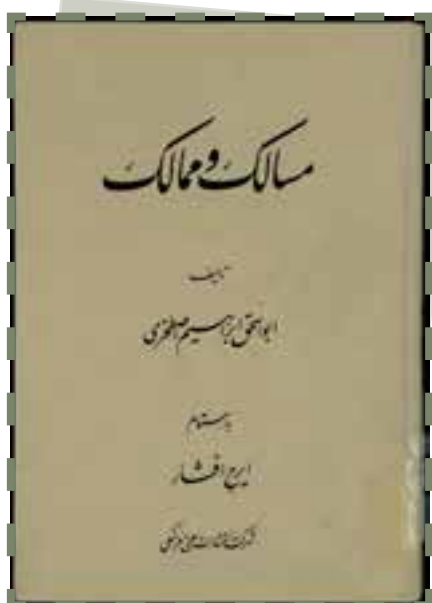
منطق : هدف از این علم، آموختن شیوه‌های صحیح فکر کردن و نیل به نتایج درست است. پیش از اسلام، فلاسفه یونان در این علم پیشتاز بودند. پس از نهضت ترجمه، مسلمانان با آثار یونانی‌ها – به ویژه با آثار منطقی ارسطو – آشنا شدند؛ دانشمندان مسلمان تلاش کردند نسبت به منطق ارسطویی، نگاه نقادانه داشته و آن را کمال بخشند. از مهم‌ترین دانشمندان اسلامی در

ابن سینا نیز بزرگترین فیلسوف عصر خود بود.

علم منطق می‌توان به کِنْدی، فارابی، ابن‌سینا و شاگردش بهمنیار، خواجه‌نصیرالدین طوسی و ملاصدرا اشاره کرد. تاریخ: دانش تاریخ، نزد عرب‌های عصر جاهلی در شکل ساده‌ی نقلیات شفاهی مربوط به جنگ‌ها و حوادث مهم بود و آنان، اثر مکتوبی در این باره نداشتند. پس از ظهور اسلام، مسلمانان بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت، اهتمام جدی نسبت به علم تاریخ نشان دادند؛ زیرا تاریخ، نقش عبرت‌آموزی و تربیتی دارد. به سبب آن که رسول خدا ﷺ در قرآن به عنوان اسوه و الگو معرفی شده، اولین آثار تاریخی مسلمانان در موضوع زندگی و سیره رسول خدا ﷺ تدوین شد. تاریخ‌نگاری مسلمانان رفته رفته، در اشکال متنوعی بروز یافت که مهم‌ترین آنها به اشکال سال‌شماری، شرح حال‌نگاری، طبقات‌نگاری، نسب‌شناسی و تاریخ‌نگاری شهرها می‌توان اشاره کرد. از معروف‌ترین مورخان می‌توان از ابن‌اسحاق، یعقوبی،

طبری، مسعودی، شیخ مفید و ابن‌مسکویه نام برد. جغرافیا: در این دانش نیز مسلمانان با ترجمه آثار یونانی، ایرانی و هندی اقدامات خوبی در گسترش و تکامل آن انجام دادند. دوره شکوفایی و بالندگی این دانش در تمدن اسلامی، از سده سوم هجری آغاز شد که مسلمانان پس از ترجمه آثار یونانی همچون کتاب‌های بطلمیوس، خودشان به تألیف کتاب‌هایی اقدام کردند. از مهم‌ترین این آثار می‌توان به حدودالعالم، البلدان یعقوبی، المسالك و الممالک ابن‌خرداد به اصطخری و صورة الارض ابن حوقل اشاره کرد.

ادبیات: پیش از ظهور اسلام، عرب جاهلی، در زمینه شعر و ادبیات، تبخّر زیادی داشت. پس از اسلام، والایی‌های ادبی قرآن موجب بالندگی هر چه بیشتر ادبیات عرب شد. شعرای برجسته‌ای همچون حسان بن ثابت، اشعار بلندی سرودند. سپس خطبه‌های امیر مؤمنان علی (علیه السلام) - که





نقشه جغرافیایی طراحی شده توسط جغرافی دانان مسلمان

بخشی از آنها در نهج البلاغه گرد آمده - تأثیر عمیقی در پیشرفت این علم بر جای نهاد. امامان معصوم علیهم السلام نیز شاعران برجسته‌ای همچون کُمیت اسدی، سید حمیری و دعبل خزاعی را مورد تشویق قرار می‌دادند. این‌ها همه، آغازی بود بر خلق آثاری فاخر در قالب نظم و نثر که به زبان عربی و فارسی و ترکی در طول سده‌های بعد از ظهور اسلام پدید آمدند.

مهم‌ترین و مشهورترین قرائت متعلق به یکی از شاگردان امام علی علیه السلام به نام ابو عبدالرحمان سلمی است. وی آموخته‌هایش از آن حضرت را به شاگردانش تعلیم داد.

تفسیر: این علم ریشه در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد و اولین و بالاترین مفسر قرآن خود آن حضرت بوده

قرائت: علم قرائت، از کهن‌ترین علوم اسلامی است و پایه‌گذار آن، شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله، مهم‌ترین شخصیت در این دانش، امام علی علیه السلام است که تمامی قرآن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله فراگرفته بود. مسلمانان بعدها درباره چگونگی تلفظ

۱- این قرائت را یکی از قاریان معروف قرن دوم هجری، به نام حفص، از استادش - عاصم - و او از استادش ابو عبدالرحمان سلمی، و او از استادش - امیر مؤمنان علی علیه السلام - نقل کرده است

خدا ﷺ و امامان معصوم ﷺ، و در مرتبه بعد، سخنان اصحاب و نیز وقایع تاریخی گزارش می‌شود. بر اثر ممانعت دومین خلیفه، در سده اول هجری تدوین حدیث به شکل جدی انجام نشد. اما از همان زمان، با تلاش امامان شیعه ﷺ و شاگردان آنان، برخی از آثار حدیثی تدوین شد. نخستین کتاب حدیثی را امیرالمؤمنین



است. پس از رسول خدا ﷺ مفسران حقیقی کلام وحی، اهل بیت معصوم پیامبر خدا ﷺ بودند. پیدایش آثار مکتوب در این زمینه، به قرن دوم هجری باز می‌گردد؛ زیرا منع خلیفه دوم - عمر بن خطاب - از نگارش و نقل احادیث نبوی موجب شد در طول قرن اول، نوشته‌های قابل اعتنایی در این باره پدید نیاید. مهم‌ترین گام‌ها در علم تفسیر را اهل بیت معصوم پیامبر ﷺ برداشتند؛ زیرا آنان آیات را به درستی تفسیر می‌کردند و حتی دانشمندان اهل سنت نیز خود را نیازمند شاگردی اهل بیت ﷺ می‌دیدند. عبدالله بن عباس و ابو حمزه ثمالی از معروف‌ترین شاگردان ائمه ﷺ در علم تفسیر به‌شمار می‌روند. از مهم‌ترین تفاسیر موجود شیعی به تفسیر قمی، تفسیر عیاشی، تبیان شیخ طوسی، تفسیر مجمع البیان طبرسی و از تفاسیر غیر شیعی به تفسیر طبری، تفسیر



علی المیرزا با املاي رسول خدا ﷺ و آله کتابت کرد. از سده دوم به بعد، تلاش‌هایی درخور در این باره صورت گرفت که حاصل آنها پدید آمدن مجموعه‌های ارزشمندی بود. در میان شیعیان، از مهم‌ترین آثار حدیثی، کُتُب اربعه^۱، و در میان اهل سنت، صحاح سته^۲ بود.

فقه: در این دانش، تکالیف شرعی انسان‌ها نسبت به امور واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح مورد بحث قرار می‌گیرد. شیعیان معتقدند پس از رسول خدا ﷺ، این اهل بیت معصوم آن حضرت بودند که حق بیان کردن تکالیف شرعی را داشتند. از این رو، آنان بر اساس

مفاتیح الغیب فخر رازی و تفسیر الدر المنثور سیوطی می‌توان اشاره کرد.

حدیث: در این دانش، سخنان و رفتارهای رسول

۱- کتاب‌های چهارگانه: الکافی از کلینی، من لا یحضره الفقیه از شیخ صدوق، تهذیب الاحکام و الاستبصار از شیخ طوسی

۲- کتاب‌های شش‌گانه: صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داود، سنن ابن ماجه، سنن ترمذی و سنن نسائی

احادیثی که از پیامبر اسلام ﷺ و معصومین علیهم السلام در این باره نقل شده بود، کتاب‌های زیادی در علم فقه تدوین کردند که از مهم‌ترین آنها، علاوه بر کتب اربعه، می‌توان به کتاب المقنع از شیخ صدوق و المقنعه از شیخ مفید و الخلاف از شیخ طوسی اشاره کرد. اما اهل سنت بر اساس روایاتی که به واسطه صحابه رسول خدا ﷺ نقل شده، دانش فقه را پایه‌ریزی کرده و کتاب‌های متعددی تدوین کردند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کتاب الموطأ از مالک بن انس، کتاب الخراج از قاضی ابویوسف، و کتاب مسند احمد بن حنبل اشاره کرد.

اصول فقه: در این دانش، معیارها و اصول و ضوابط دستیابی به تکالیف شرعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین، دانش اصول فقه، ابزار و وسیله‌ای در خدمت علم فقه است. مبادی و پایه‌های اصلی این دانش

را امام باقر و امام صادق علیهم السلام پی‌ریزی کردند و در ادامه، دانشمندانی همچون هشام بن حکم - از اصحاب امام صادق علیهم السلام - و شیخ مفید و شیخ طوسی و علامه حلی و در دوران متأخرتر شیخ انصاری به پیشرفت و توسعه این دانش، کمک‌های شایانی کردند.

کلام: در این دانش، مسائل اعتقادی همچون وجود و صفات خداوند - همچون توحید او - و نبوت، امامت و معاد مورد بحث قرار می‌گیرد. این دانش، به علم کلام معروف شد؛ زیرا یکی از مباحث مهم آن، بحث درباره کلام خداوند بوده که در قالب قرآن به بشریت رسیده است. در میان اصحاب امامان معصوم، دانشمندان برجسته‌ای در علم کلام؛ کسانی همچون هشام بن حکم، هشام بن سالم و یونس بن عبدالرحمان پدید آمدند. در سده‌های بعد نیز از کسانی همچون ابوسهل نوبختی،



نسخه خطی اسلامی

کسانی در میان مسلمانان پیدا شدند که تمایل به زهد و ساده‌زیستی و ترک دنیا داشتند. در سده‌های بعد آثاری در باره راه و روش صوفیان و عارفان و معرفی شخصیت‌های برجسته صوفی و عارف تدوین شد که می‌توان از کتاب‌های منازل السائرین از خواجه عبدالله انصاری، و تهذیب الاسرار از خرگوشی نیشابوری و کیمیای سعادت از ابو حامد غزالی و عوارف المعارف از شهاب‌الدین سَهْرَوَرْدی نام برد.

هنر و معماری: هنر نیز مورد توجه مسلمانان بود و هنر اسلامی به تدریج رو به تکامل نهاد. عرب‌های جاهلی،

شیخ مفید، سید مرتضی و خواجه نصیر طوسی می‌توان نام برد. از دانشمندان اهل سنت نیز به حسن بصری ابوالحسن اشعری، ابو حامد غزالی و شهرستانی می‌توان اشاره کرد. کتاب «اوائل المقالات» شیخ مفید و کتاب «تجرید الاعتقاد» خواجه نصیرالدین طوسی از مهم‌ترین آثار کلامی شیعی و کتاب‌های «المغنی فی التوحید و العدل» قاضی عبدالجبار معتزلی و «مقالات الاسلامیین» ابوالحسن اشعری از مهم‌ترین آثار کلامی غیر شیعی به‌شمار می‌روند.

تصوف و عرفان: از همان سده اول هجری



کاشی‌کاری محراب مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان، دوره صفوی



رحل قرآن کریم، ساخته حسن بن سلیمان اصفهانی (قرن ۸ ق)



عودساز - ایران (قرن ۶ ق عهد سلجوقی)



پارچ نقره کوب با تزئینات نقره بر روی برنج - ایران (قرن ۶ و ۷ ق)



مینیاتور اصحاب کهف اثر آقارضا اصفهانی (دوره صفوی)



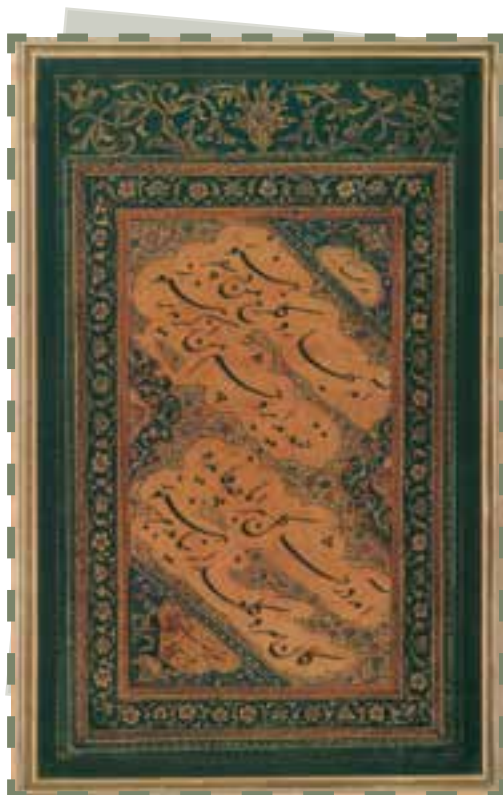
شمعدان برنجی (دوره صفویه)



خطاطی قرآن مجید به خط احمد بن سهروردی (سده ۸ ق)

از جلوه‌های هنری، بیشتر در شعر و خطابه دست داشتند؛ اما ملت‌های مجاورشان – همچون ایران، هند، روم و یمن – دارای پیشینه کهن‌تری در هنر و معماری بودند. بدین لحاظ، پس از انجام فتوحات، عرب‌های مسلمان، با جلوه‌های متنوع هنری آشنا شدند و از آن پس، مسلمانان توانستند در خلق آثار هنری، میان هنر شرقی و هنر غربی تلفیق ایجاد کنند. تلاش اصلی و دائمی هنرمندان اصیل مسلمان آن بود که هنر را وسیله‌ای برای بیان فرهنگ اسلامی قرار دهند.

هنر اسلامی، در گونه‌های متنوعی همچون: خوشنویسی، کاشی‌کاری، آینه‌کاری، گچ‌بری، نقاشی، قالی‌بافی، کوزه‌گری، خاتم‌کاری و ... جلوه کرده است. از انواع جلوه‌های هنر اسلامی، معماری نمود برجسته و ماندگارتری داشته است به گونه‌ای که بعضی از آثار زیبای معماری، پس از گذشت بیش از هزار سال،



خط نستعلیق حمایلی عماد الحسنی (۱۰۲۲ ق)



قالی با نقش شکارگاه (ایران - قرن ۱۰ ق)



بخشی از یک قالی ابریشمی ایرانی (هرات - قرن ۱۰ ق)

هنوز پابرجا هستند. معماری اسلامی، عمدتاً در مساجد، قصرها و بازارها، و سپس در بقعه‌ها و آرامگاه‌ها و نیز ساخت شهرهای اسلامی، خود را نشان داده است. از برجسته‌ترین نمونه‌های معماری اسلامی به این موارد می‌توان اشاره کرد: مسجد النبی در مدینه، مسجد الحرام در مکه، مسجد جامع دمشق، کاخ هشام بن عبدالملک



مسجد موتی (آگرا هندوستان، قرن ۱۵ میلادی)



بازار کرمان

بیت المقدس، مسجد جامع اصفهان و گنبد سلطانیه.

در نزدیکی اریحا، مسجد جامع قرطبه، مدینه الزهراء در نزدیکی قرطبه، سوق القنادیل در قاهره، قبة الصخرة در



قبة الصخرة در بیت المقدس



گنبد سلطانیه در نزدیکی زنجان

خاندان بنی موسی

«بنی موسی» عنوانی است برای سه برادر با نام‌های محمد، احمد و حسن، فرزندان موسی بن شاکر خراسانی، که از آنان گاه با عنوان بنی شاکر نیز نام برده می‌شود. موسی بن شاکر جزء ملازمان مأمون بود که همراه او به بغداد آمد و به هندسه و نجوم پرداخت و از منجمان دربار مأمون شد. پس از مرگ او، فرزندان او با دانشمندان بغداد مأنوس شدند. آنان ثروت سرشار خود را صرف گردآوری نسخه‌های خطی یونانی و ترجمه آنها به زبان عربی کردند. آنان همچنین، مترجمان برجسته‌ای مثل حنین بن اسحاق و ثابت بن قُرّه را در استخدام خود داشتند. این برادران، علاوه بر ترجمه آثار یونانی، تحقیقات نفیسی را در ریاضیات، نجوم و مکانیک انجام دادند، ولی از آنجا که معمولاً به صورت گروهی کار می‌کردند تشخیص آثار شخصی هر یک از آنان مقدور نیست؛ اما گفته‌اند که محمد، اطلاعات وسیعی

داشته، حسن در ریاضیات و احمد در مکانیک و مسائل فنی تبخّر بیشتری داشته است. به هر حال، این سه برادر نقش بسیار مهمی در شکوفایی تمدن اسلامی در قرن سوم هجری داشته‌اند و آوازه علمی آنان به اروپا نیز رسیده است. آثار بسیاری توسط آنان، ترجمه و تألیف شد که مهم‌ترین اثر باقی مانده از آنان، کتاب الحِیَل است. در این کتاب که نخستین اثر مدوّن شناخته شده در علم مکانیک در جهان اسلام به شمار می‌رود، یکصد دستگاه شرح داده شده است که بیشتر آنها به صورت خودکار و با استفاده از خواص مکانیکی سیالات کار می‌کرده‌اند، این وسایل، شامل انواع فواره‌های خودکار، ساعت‌های آبی، انواع بالابره‌های آب و چرخ‌های چاه، آفتابه‌های خودکار و وسایلی مانند اینها هستند. این برادران، پانصدسال جلوتر از اروپاییان، برای نخستین بار، میل لنگ را در حوزه دانش‌های فنی به کار برده‌اند.^۱

پرسش‌های نمونه

- ۱- پیشینه واژه خلافت در قرآن و سنت نبوی را بیان کنید.
- ۲- تبدیل خلافت به سلطنت توسط چه کسی به وقوع پیوست؟
- ۳- مفهوم وزارت در قرآن و سنت درباره چه کسانی به کار رفته است؟ اولین وزیر بنی عباس را نیز نام ببرید.
- ۴- وزارت تفویض و وزارت تنفیذ را تعریف و تفاوت آنها را بیان کنید.
- ۵- معنای دیوان در تمدن اسلامی را توضیح دهید و انواع دیوان‌ها را نام ببرید.
- ۶- کارکرد دیوان‌های جُند و استیفاء را شرح دهید.
- ۷- تفاوت و تمایز علوم دینی از غیر دینی را در تمدن اسلامی توضیح دهید.
- ۸- جایگاه هنر و معماری در تمدن اسلامی را به طور کوتاه توضیح دهید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- با مطالعه منابع تاریخی می‌توان نمونه‌های مستندی را از خوی سلطنتی معاویه مشاهده کرد؛ تعدادی از این نمونه‌ها را برای دوستان کلاستان بازگو کنید.
- ۲- آیا می‌توانید شیوه‌های نظارتی امیرمؤمنان علی علیه السلام را که بعدها با نام نهاد حسبه معروف شد، تبیین کنید؟

۱- برای اطلاعات بیشتر درباره بنی موسی، بنگرید به: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، ص ۶۸۶-۶۹۹؛ دایرةالمعارف مصاحب، ج ۱،

فرهنگ و تمدن اسلامی (۳)

مقدمه

فرهنگ و تمدن اسلامی در دوران با شکوه خود توانست به کشورهای اروپایی نفوذ کند و آنجا را تحت تأثیر قرار دهد. این پدیده، عواملی داشت که در این درس گفته خواهد شد. از دیگر موضوعات این درس، بیان علل رکود تمدن اسلامی، پس از رشد و شکوفایی است؛ همچنین عوامل رشد و خیزش مجدد تمدن اسلامی، پس از دوره رکود نیز بیان خواهد شد.

تأثیر و نفوذ تمدن اسلامی در اروپا

بی تردید، اروپاییان مدیون پیشرفت‌های تمدنی مسلمانان در سده‌های اولیه‌اند. آنان خود به این حقیقت انکارناپذیر، آگاه و معترف‌اند.

این تأثیرگذاری، ناشی از زمینه‌ها و عواملی بود که عرصه را برای انتقال دستاوردهای تمدنی اسلام به اروپا آماده و مهیا می‌ساخت و عبارت‌اند از:

۱- انحطاط فرهنگی و تمدنی اروپاییان:

اروپای معاصر با ظهور اسلام، به عللی، دچار انحطاط فرهنگی و عقب ماندگی تمدنی بود؛ عللی همچون: اختلافات طبقاتی و شکاف عمیق میان فقیران و ثروتمندان،

وجود نظام برده‌داری و نژادپرستی، رفتارهای غیر انسانی اشراف در برخورد با بردگان و فرودستان - همچون درگیر کردن گلا دیاتورها با هم، برای تفریح اشراف -، همراهی رهبران کلیسا با طبقات اشراف و نیز مقابله آنان با نوآوری‌های علمی دانشمندان، به بهانه پای بندی به تعالیم کتاب مقدس مسیحیان؛ زیرا بر اساس اعتقادات رهبران کلیسا، در صورت تعارض آموزه‌های کتاب مقدس با عقل و علم، آنچه مقدم می‌شد کتاب مقدس بود. این در حالی است که قرآن کریم، کتاب مقدس مسیحیان را تحریف شده معرفی کرده است.

۲- پویایی و اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی:

۱- گلا دیاتورها، بردگان و زندانیانی بودند که در آمفی تئاترها، برای تفریح طبقه اشراف، دو به دو وادار به جنگ با یکدیگر می‌شدند و معمولاً طرف

مغلوب، کشته می‌شد (دایرةالمعارف مصاحب، ج ۲، ص ۲۴)

از آنجا که پشتوانه فرهنگی و تمدنی مسلمانان، کتاب آسمانی قرآن و آموزه‌های دینی رسول خدا ﷺ بود و هیچ یک - بر خلاف مسیحیت - مخالفتی با عقل و علم نداشت. بنابراین، مسلمانان توانستند در مدت کوتاهی به پیشرفت‌های شگفتی دست یابند. اروپاییان نیز که محتوای آموزه‌های دین اسلام را برتر از تعالیم کلیسا می‌یافتند، به مرور، علاوه بر تأثیرپذیری دینی از مسلمانان^۱، در پیشرفت‌های تمدنی نیز به این سو روی آوردند.

۳- فتح اندلس و جنگ‌های صلیبی: رخداد فتح اندلس و تشکیل حکومت مسلمانان در آنجا به مدت چند سده، و نیز حملات مسیحیان به قلمرو اسلامی در جنگ‌های صلیبی^۲، زمینه‌آشنایی هر چه بیشتر مسیحیان اروپا با مسلمانان و پیشرفت‌های علمی و تمدنی آنان را فراهم ساخت. سخن موتگمری وات در این باره چنین است:

«از نظر فرهنگی، جنگجویان مسیحی در شرق، برخی از جنبه‌های زندگی اسلامی را تجربه و سعی کردند هنگامی که به اروپا بازگشتند از آن تبعیت نمایند و تعداد کمی از کتاب‌های عربی نیز در مناطق مسیحی‌نشین به لاتین ترجمه شد»^۳.

۴- مهاجرت‌ها و روابط تجاری مسلمانان و مسیحیان: مهاجرت مسلمانان به سرزمین‌های مسیحی‌نشین از همان آغاز ظهور اسلام، با هجرت جعفر بن ابی طالب و بیش از ۱۰۰ مسلمان به حبشه آغاز

شد. با گسترش قلمرو اسلامی و فتح مناطق تحت قلمرو رومیان - همچون سرزمین شام - روابط مسلمانان و مسیحیان گسترده‌تر شد. فتح اندلس نیز بر دامنه این روابط افزود؛ و در نتیجه، این مهاجرت‌ها و روابط متقابل تجاری، زمینه خوبی را برای انتقال فرهنگ اسلامی و تجربیات تمدنی به اروپا فراهم ساخت.

۵- ترجمه آثار اسلامی به زبان‌های اروپایی: در درس‌های پیشین خواندید که در جریان نهضت ترجمه، بسیاری از آثار غربیان به عربی ترجمه شد. اما پس از گذشت چند سده، این اروپاییان بودند که خود را نیازمند ترجمه آثار مسلمانان به زبان‌های خودشان می‌دیدند؛ زیرا:

الف) پیشرفت‌های علمی و فرهنگی مسلمانان موجب رغبت اروپاییان به ترجمه این آثار شد.

ب) دانشمندان مسیحی اکنون، خود را از ترجمه آثار دانشمندان یونانی عاجز می‌دیدند؛ زیرا میان آنان و زبان اصلی این کتاب‌ها فاصله افتاده بود؛ از این رو، ناچار بودند از ترجمه‌های عربی این آثار استفاده کنند.

عرصه‌های تأثیرپذیری اروپاییان از تمدن اسلامی

تعیین دقیق میزان و چگونگی ورود و نفوذ فرهنگ و تمدن اسلامی به اروپا امکان‌پذیر نیست؛ زیرا این رخداد به صورت تدریجی، طی چند سده انجام یافته است. اما شاید بتوان بعضی از عرصه‌های علمی و تمدنی

۱- به عنوان مثال، الیبندوس - اسقف شهر طلیطله در اسپانیا - تحت تأثیر عقاید اسلامی، خدا بودن حضرت عیسی ﷺ را انکار کرد و گفت: عیسی ﷺ

بشر و فرزند خوانده خداست

۲- سلسله جنگ‌هایی که طی سده‌های ۱۲ و ۱۳ میلادی (۷۶۰ق) توسط مسیحیان اروپا بر ضد مسلمانان، به بهانه آزادسازی زادگاه حضرت مسیح ﷺ

در فلسطین، ترتیب داده شد

۳- وات، تأثیر اسلام در اروپای قرن وسطی، ص ۱۲

که به صورت محسوسی به اروپا انتقال داشته را شناسایی کرد. این عرصه‌ها عبارت‌اند از: علوم عقلی و فلسفه، الهیات، طب، نجوم، ریاضیات، شیمی، ادبیات، جغرافیا، دریانوردی، تجارت، صنعت، مهندسی، هنرهای معماری، خوشنویسی، حجاری، منبت‌کاری و فلزکاری.

ویل دورانت - مورخ شهیر تاریخ تمدن - در این باره چنین گفته:

«اسلام در جهان مسیحی، نفوذ گوناگون و بسیار داشت. اروپای مسیحی، غذاها، شربت‌ها، دارو و درمان، اسلحه و استفاده از نشان‌های مخصوص خانوادگی، سلیقه و ذوق هنری، ابزار و فنون، صنعت و تجارت و قوانین و راه‌های دریایی را از اسلام فرا گرفت و غالباً لغات آن را نیز از مسلمانان اقتباس کرد».^۱

مونتگمری وات نیز گفته است:

«هنوز هم نشانه‌هایی در زبان اسپانیایی وجود دارد که اشاره به این نکته است که عرب‌ها مسئولیت عمده معماری و خانه‌سازی را در اسپانیا بر عهده داشته‌اند».^۲

رکود و کم‌تحركی تمدن اسلامی

«قدر مسلم این است که پدیده‌ای درخشان و چراغی نورافشان به نام تمدن اسلامی، قرن‌ها در جهان وجود داشته و سپس این پدیده، کم‌فروغ و سرانجام چراغ خاموش شده است و امروز مسلمانان در مقایسه با بسیاری از ملل جهان و نسبت به گذشته پرافتخار خودشان، در حال انحطاط و وضع رقت باری به سر می‌برند. طبعاً این پرسش پیش می‌آید که چگونه شد مسلمانان پس از آن همه

پیشرفت و ترقی در علوم و معارف و صنایع و نظامات، به قهقرا برگشتند؟ مسئول این انحطاط و سیر قهقرایی چیست و کیست؟»^۳

چنان‌که در سخنان شهید مطهری اشاره شده، تمدن اسلامی پس از پیدایش و رسیدن به دوره شکوفایی و رشد، متأسفانه بر اثر عواملی، گرفتار ضعف، رکود و ایستایی شد. این سخن به معنای نابودی این تمدن نیست؛ زیرا مظاهر تمدن اسلامی گسترده و فراگیر بود و هرگز نابود نشد، اما در ادامه حیات خود، نه تنها آن سیر صعودی را ادامه نداد؛ بلکه در برخی عرصه‌ها دچار سیر نزولی نیز شد. درک گستره این رکود و عوامل واقعی آن چندان آسان نیست؛ زیرا میان ما و آن عصر، فاصله زیادی وجود دارد، اما در مجموع می‌توان مهم‌ترین عوامل را شناسایی کرد. نویسندگان تاریخ تمدن اسلامی معمولاً این عوامل را در دو بخش داخلی و خارجی بررسی می‌کنند. اما بر اساس آموزه‌های قرآنی، پیش از تأثیرگذاری عوامل خارجی، این خود انسان‌ها هستند که با رفتارها و خصلت‌های درونی‌شان، زمینه‌های صعود یا سقوط خود را فراهم می‌سازند:

«... همانا خداوند آنچه را که گروهی دارند [از نعمت‌ها]، دگرگون نمی‌کند تا آن‌گاه که آنچه را در خودشان است؛ یعنی صفات و اعمال خود را دگرگون کنند».^۴

عوامل رکود تمدن اسلامی

الف) عوامل داخلی رکود تمدن اسلامی

۱- دنیاگرایی، تجمل‌طلبی و دوری از اسلام

۱- دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۴۳۳

۲- وات، مونتگمری، تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی، ص ۵۳

۳- مطهری، انسان و سرنوشت، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۳۵

۴- «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ رعد، ۱۱

و هرج و مرج‌های شدید می‌شود که تشکیل حکومت‌های کوچک و بزرگی در نواحی گوناگون را به دنبال داشت. تجزیه قلمرو اسلامی تا اواخر قرن پنجم هجری ادامه داشت.

(ب) عوامل خارجی رکود تمدن اسلامی

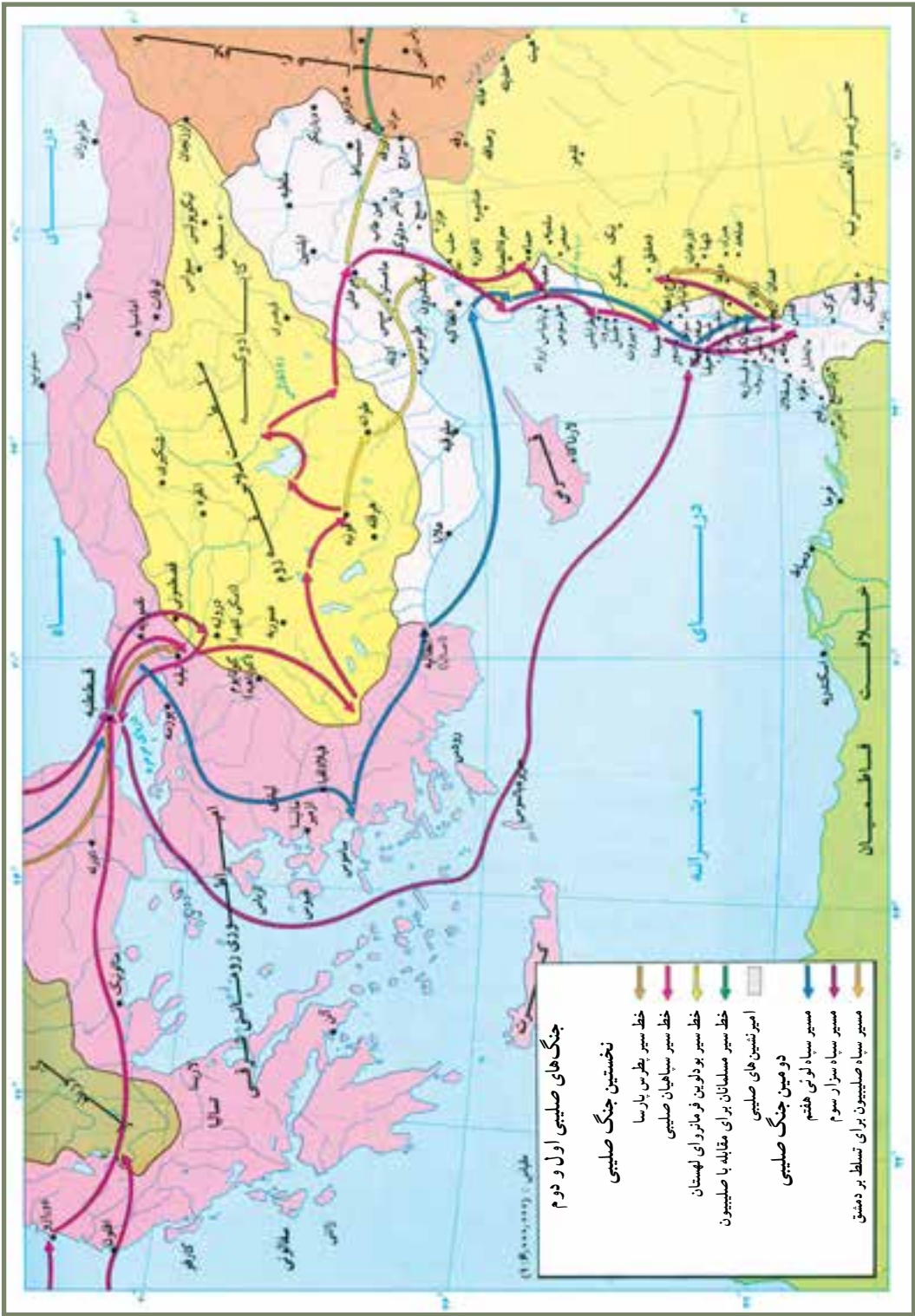
۱- جنگ‌های صلیبی: این جنگ‌ها در طول قریب به دو قرن (۶ و ۷ هجری) از سوی مسیحیان اروپا بر ضد مسلمانان تحمیل شد و نتیجه آن، ضعف و خسارت برای مسلمانان از سویی، و آشنایی اروپاییان با تمدن اسلامی از سوی دیگر بود.

۲- حملات مغولان: مغولان از اوایل سده هفتم هجری، حملات خود به سرزمین‌های اسلامی را آغاز کردند. متأسفانه، خوی وحشیگری و ضد تمدنی این مردم بیابان‌نشین سبب شد علاوه بر قتل عام گسترده ساکنان سرزمین‌های اسلامی، آثار فرهنگی و تمدنی مسلمانان را نیز نابود کنند. بسیاری از کتابخانه‌ها را به آتش کشیدند و آثار هنری و معماری را از بین بردند. سرانجام حکومت بنی‌عباس را نیز در سال ۶۵۶ ق ساقط کردند.

اصیل: اسلام دارای جذابیت‌های ذاتی است و توان ایجاد تمدن بزرگ جهانی را در راستای خداپرستی و عدالت داراست، اما متأسفانه، مسلمانان و حکومت‌های آنان، پس از رحلت رسول خدا ﷺ گرفتار انحرافی تدریجی گشتند. اصول و فروع دین گرفتار تحریف شد، حکومت‌های اموی و عباسی به تجمل و عشرت‌طلبی روی آوردند و عالمان دینی نیز با حکومت‌ها همراه گشته، و مخالفان نیز به بند کشیده شدند. بدین ترتیب، نه تنها شرایط پدید آمدن تمدن فراگیر جهانی فراهم نشد؛ بلکه همان تمدن پدید آمده نیز دچار سستی و رکود شد.

۲- ظلم و استبداد حکومت‌ها: حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس، و نیز برخی از حاکمیت‌های کوچک، گرفتار استبداد، ظلم و خودکامگی بودند. سیاست مدارا و تحمل مخالفان وجود نداشت؛ از این رو، به مرور، نارضایتی عمومی و بی‌ثباتی حکومت‌ها و جوامع پدید آمد. در چنین فضایی، نباید انتظار تمدنی رو به پیشرفت و گسترش را داشت.

۳- جنگ‌های داخلی و تجزیه قلمرو اسلامی: در طول دوره حاکمیت عباسیان، ضعف و فساد آنان موجب شد نقاط مختلف قلمرو اسلامی درگیر جنگ‌ها



یک توضیح

از آنجا که مغولان، قومی وحشی و بیابان گرد بوده و با فرهنگ و تمدن بیگانگی داشتند، کتابخانه‌های بسیاری را در محدوده تمدن اسلامی، نابود کردند. به یک گزارش در این باره توجه کنید:

«پس از فتح قلعه الموت] مغولان داخل آشیانه اصلی حسن صباح و پیروان او شدند و آلات جنگی و منجنیق‌ها را شکستند و اموال و خزاین ایشان را به تاراج بردند، مخصوصاً بر کتابخانه بسیار نفیسی که اسماعیلیان در طحّ سال‌های متمادی در الموت تأسیس کرده بودند و آوازه‌اشتهار و اهمیت آن در عالم پیچیده بود، دست یافتند و هلاکو امر به نابود کردن آن داد. عظاملک جوینی که در این سفر همراه بود، از هلاکو اجازه گرفت که به مطالعه آن کتب بپردازد تا نفایس و کتب مفیده آن را جدا کند و بقیه را که متعلق به اصول و فروع دین اسماعیلی است بسوزاند و چنین نیز کرد!»^۱

۳- سقوط اندلس: در درس چهارم با سیر ورود اسلام به اندلس و پیشرفت‌های آن آشنا شدید. مسلمانان اندلس یکی از زیباترین جلوه‌های تمدنی اسلام را پدید آوردند، اما متأسفانه سقوط دولت‌های مسلمان اندلس و

تصرف مجدد آن به وسیله مسیحیان اروپا، تنها خاطرات و آثار محدودی از مظاهر تمدن اسلامی را بر جای نهاد.

فکر کنید و پاسخ دهید

درباره عوامل داخلی و خارجی رکود تمدن اسلامی - بر اساس آموخته‌هایتان - بیشتر فکر کنید. آیا عوامل دیگری در این رخداد مؤثر بوده‌اند؟ از این حقیقت تلخ چگونه برای وضع کنونی امت اسلامی می‌توان درس گرفت؟

خیزش و رکود مجدد تمدن اسلامی

چنانچه قبلاً اشاره شد، تمدن اسلامی پس از پیدایش و شکوفایی، هرگز نابود نشد، اما دوره‌هایی از خیزش و ضعف را سپری کرد. از شواهد این مدعا آن که مغولان هر چند خسارات زیادی به تمدن اسلامی وارد ساختند، اما پس از چندی خود آنان به اسلام گرویدند

۱- پیرنیا و اقبال، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه، ج ۲، ص ۴۸۶

نیروها برای جهاد و عواملی دیگر، قلمرو آن وسعت زیادی یافت و حتی تا بخش‌هایی از اروپا نیز پیش رفت. در زمان سلطان محمد فاتح - از سلاطین مقتدر عثمانی - قسطنطنیه (پایتخت امپراتوری بیزانس یا روم شرقی) فتح شد و آنجا به پایتخت اسلامی با مساجد و مدارس باشکوه تبدیل گشت که هنوز نیز آثار آن باقی است. وی کلیسای ایاصوفیه را به مسجدی باشکوه تبدیل کرد و مدرسه‌ای نیز در کنارش ساخت.

و برخی از آثار تمدنی را پدید آوردند^۱. از سده هشتم هجری به بعد، در سه نقطه مهم از قلمرو اسلامی، سه دولت مقتدر پدید آمد که هر یک، سهم به سزایی در احیای مجدد تمدن اسلامی داشت: دولت عثمانی در ترکیه امروزی و ممالک همجوار، دولت صفویه در ایران، و دولت گورکانی در هند.

اساس دولت عثمانی در اوایل سده هشتم هجری نهاده شد، اما به سبب موقعیت خاص جغرافیایی و بسیج



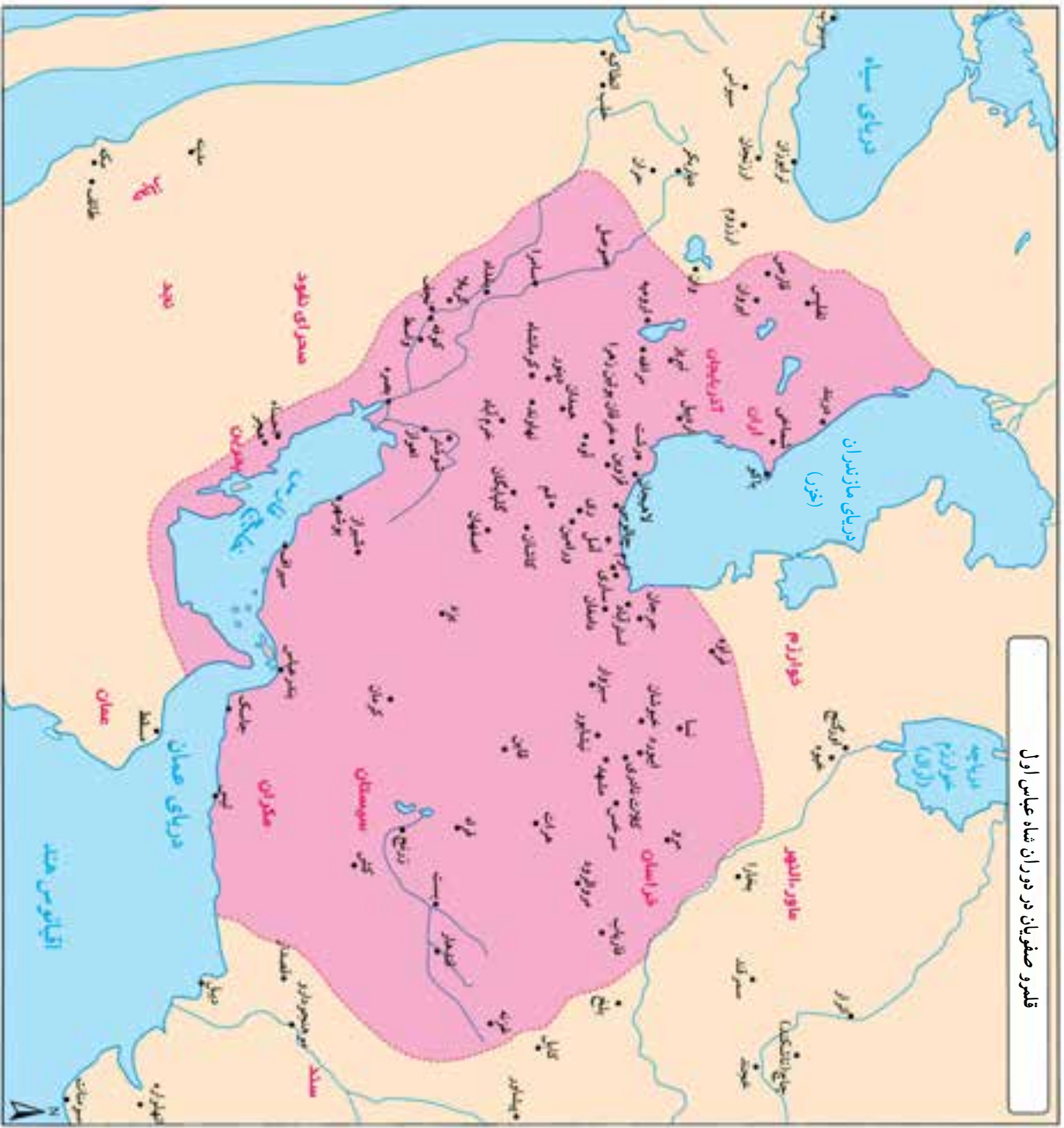
استانبول، مسجد ایاصوفیه

دولت شیعی صفویه نیز در سال ۹۰۷ ق در تبریز توسط شاه اسماعیل صفوی تأسیس شد و در سال ۱۱۳۵ ق با تصرف اصفهان توسط افغان‌ها سقوط کرد. از مهم‌ترین خدمات این سلسله، رسمی کردن مذهب تشیع دوازده امامی در ایران و پدید آوردن آثار فرهنگی و

توسعه دولت عثمانی تا قرن یازدهم ادامه داشت، اما از این قرن به بعد، این دولت روبه ضعف نهاد و در نهایت در قرن بیستم میلادی (چهاردهم هجری) فرو ریخت. آثار تمدنی سلاطین عثمانی در مناطق تحت حاکمیت آنان - به ویژه در ترکیه - قابل توجه بود.

۱- از نمونه‌های مثال زدنی در این باره، گنبد سلطانیه است که در زمان سلطان محمد خداپسند - از سلاطین مسلمان و شیعه شده مغولی - بنا شد

قلمرو صفویان در دوران شاه عباس اول





کاخ عالی قاپو در اصفهان (عصر صفوی)

تمدنی بسیار بود. هر چند ضعف‌ها و نالایقی‌های برخی از سلاطین صفوی را نیز نباید نادیده گرفت. صفویه به دنبال رسمی کردن مذهب تشیع در ایران، امکان خدمات فراوان علمی و فرهنگی را برای عالمان شیعه فراهم آوردند. در این دوره، بسیاری از دانشمندان شیعه از نقاط مختلف، راهی ایران شدند و با حمایت دولت صفوی، به رشد و گسترش و اعتلای فرهنگی شیعه کمک زیادی کردند. در این دوره، مدارس زیادی ساخته شد، مجموعه‌های علمی ارزشمندی تهیه شد که مجموعه ۱۱۰ جلدی کتاب حدیثی بحارالانوار از علامه محمدباقر مجلسی، از جمله آنهاست. همچنین در زمینه صنعت، معماری^۱ و تسلیحات نظامی نیز پیشرفت‌های خوبی پدید آمد.

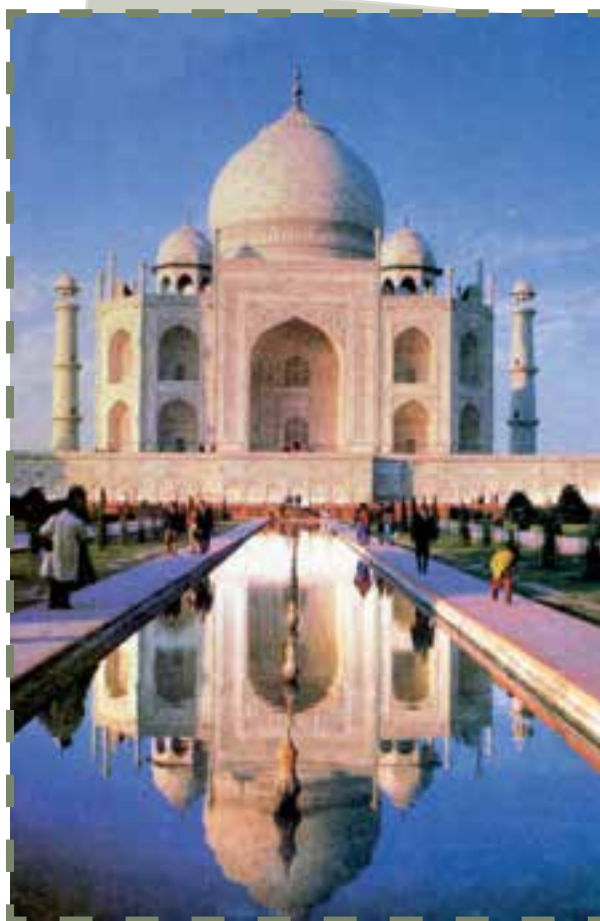
یک توضیح

نقش تمدنی ایرانیان

هر چند ظهور اسلام در جزیره العرب بود اما این آئین پس از نفوذ به دیگر مناطق - از جمله ایران - توسط اقوام غیرعرب پذیرفته و ترویج شد. ایرانیان در این میان، نقشی انکار ناپذیر داشته‌اند. بیشترین گسترش اسلام به سوی شرق بود که عمدتاً ایران بزرگ عصر ساسانی را شامل می‌شد. مردم ایران پس از آن که به تدریج اسلام را پذیرفتند، خود به عامل مهمی در تعمیق آموزه‌ها و گسترش و ترویج آن تبدیل گشتند. بسیاری از دانشمندان حوزه تمدن اسلامی، ایرانی بودند که با تدوین آثار فراوان علمی، تمامی مسلمانان را مدیون خود ساختند. تنها به عنوان یک نمونه می‌توان به مؤلفان مهم‌ترین آثار حدیثی شیعه (کتب اربعه) و اهل سنت (صیاح سیئه) اشاره کرد که تمامی آنها ایرانی بوده‌اند.

فراوانی پدید آوردند و حتی بعضی از شاعران ایرانی به هند مهاجرت کردند. نیز آثار متعددی در زمینه تاریخ و ادبیات تدوین شد. در این دوره همچنین تفکر عرفانی رواج یافت؛ از این رو، مشایخ صوفیه، نزد بابریان احترام زیادی داشتند. آثار هنری و معماری باقیمانده از این دوره، از شکوه تمدن مسلمانان این دوره حکایت دارد که تنها به عنوان یک نمونه، می‌توان به بنای زیبا و باشکوه تاج محل اشاره کرد که در نوع خود بی‌نظیر است.

دولت گورکانیان هند نیز هم‌زمان با دولت صفویه، و در سال ۹۱۰ ق توسط ظهیرالدین بابر تأسیس شد. نسب وی به تیمور گورکانی می‌رسید که تبار مغولی داشت از این رو، از این دولت، با عنوان «مغولان هند» نیز یاد می‌کنند. پس از بابر، فرزند و نواده‌های او تا نیمه دوم قرن یازدهم هجری حکومت کردند. سپس این دولت رو به ضعف و افول نهاد. دوره گورکانیان، دوره رواج ادبیات فارسی در هند بود و شعرای معروف، آثار منظوم



تاج محل در شهر آگرا هندوستان

رخداد ناشی از چند عامل بود :
 ۱- پیدایش دولت‌های استعمارگر غربی و دست‌اندازی آنها به کشورهای اسلامی؛

با سقوط دولت‌های صفوی و گورکانی و سپس عثمانی، تمدن اسلامی مجدداً با ضعف و رکود همراه شد و دیگر نتوانست به شکوه پیشین خود بازگردد. این

۲- بی‌لیاقتی حاکمان کشورهای اسلامی و مرعوب شدن آنها در برابر استعمار؛

۳- تجزیه قلمرو اسلامی به کشورهای کوچک و ایجاد نزاع و دشمنی بین آنها توسط استعمار.

رخداد انقلاب اسلامی ایران؛ تحرکی در تمدن اسلامی

خوشبختانه رخداد انقلاب اسلامی ایران در قرن

اخیر، زمینه‌های مساعدی برای شکوفایی استعدادهای نهفته جوانان مسلمان این مرز و بوم را فراهم کرد. تمدن اسلامی به برکت این انقلاب در آستانه خیزشی جدید است که مرزهای ایران را در نوردیده و به دیگر کشورهای اسلامی سرایت کرده است. این انقلاب در جهان با نام امام خمینی و کشور ایران - با اکثریت شیعی دوازده امامی - شناخته شده است و امید می‌رود که این تمدن جدید اسلامی به تمدن موعود حضرت مهدی علیه السلام متصل شود.

جنگ‌های صلیبی

در سده‌های ۱۲ و ۱۳م/۷ و ۶ ق، سلسله جنگ‌هایی با عنوان جنگ‌های صلیبی از سوی مسیحیان اروپا و با تحریک رهبران کلیسا بر ضد مسلمانان به وقوع پیوست. بهانه آنان برای این جنگ‌ها، آزادسازی زادگاه حضرت عیسی مسیح علیه السلام و رفع آزار و اذیت از زائران مسیحی بیت المقدس بود. وجود آشفته‌گی، هرج و مرج و فقر در اروپا از دیگر عوامل روی آوردن مسیحیان به این جنگ‌ها بود. تعداد این جنگ‌ها - که حدود دو قرن به طول انجامید - ۹ جنگ بود.



مقبره صلاح‌الدین ایوبی، قهرمان جنگ‌های صلیبی در دمشق

اولین جنگ صلیبی در نوامبر سال ۱۰۹۵م. با تحریک پاپ اوربانوس دوم به وقوع پیوست. وی، طی خطابه‌ای، تعدی ترکان سلجوقی نسبت به زائران مسیحی را بهانه دعوت مسیحیان به جنگ قرار داد. او به مسیحیان وعده داد که عزیمت به این جنگ، به منزله توبه و کفاره گناهان خواهد بود. در طی این جنگ و جنگ‌های بعدی، کشتارهای وسیعی صورت گرفت؛ به عنوان مثال، مسیحیان پس از تصرف بیت المقدس به پاپ چنین خبر دادند:

«اگر می‌خواهید بدانید بر سر دشمن ما چه آمد، همین بس که اسب‌های ما در ایوان سلیمان و معبد

او، تا زانو در خون مسلمین شناور بود.»

گفتنی است در سومین جنگ صلیبی، صلاح‌الدین ایوبی موفق شد در سال ۱۱۸۷م/۵۸۳ ق بیت المقدس را از دست مسیحیان خارج سازد. در مجموع، جنگ‌های صلیبی برای اروپاییان - به لحاظ تمدنی - بسیار پر سود بود؛ زیرا از دنیای وحشیانه و پر ظلمت و جهالت اروپا توانستند با تمدن درخشان اسلامی آشنا شده و این تجربیات را با خود به اروپا ببرند.

- ۱- عوامل انتقال تمدن اسلامی به اروپا چه بود؟ آنها را نام برده و یکی را توضیح دهید.
- ۲- عرصه‌های تأثیرپذیری اروپاییان از تمدن اسلامی را بیان کنید.
- ۳- عوامل داخلی و خارجی رکود تمدن اسلامی را ذکر کرده و یکی از آنها را توضیح دهید.
- ۴- از نظر قرآن کریم، عامل اصلی رکود در یک جامعه و ملت، عوامل داخلی است یا خارجی؟ چرا؟
- ۵- خیزش مجدد تمدن اسلامی در چه دوره‌ای و به وسیله چه حکومت‌هایی انجام گرفت؟ به طور کوتاه توضیح دهید.
- ۶- چرا تمدن اسلامی، پس از خیزش مجدد، گرفتار رکود مجدد شد؟
- ۷- انقلاب اسلامی چه تأثیری در ارتباط با تمدن اسلامی داشته است؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره انحطاط فرهنگی و تمدنی اروپاییان پیش از آشنایی آنان با تمدن اسلامی گزارش‌های جالبی نقل شده است. در این باره پژوهشی تهیه نمایید.
- ۲- صفویه، دولتی شیعی مذهب بودند. درباره شیعی بودن دستاوردهای تمدنی آنان تحقیقی ارائه کنید.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- آل علی، نورالدین، اسلام در غرب، تاریخ اسلام در اروپای غربی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰ش.
- آیتی، محمد ابراهیم، اندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ش.
- ابن اثیر، عزالدین علی، الكامل فی التاریخ، ۱۳ج، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵ق. این کتاب توسط ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی به فارسی ترجمه و در ۳۳ جلد از سوی مؤسسه مطبوعاتی علمی به چاپ رسیده است.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمان، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، ۱۹ج، به تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
- ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الاعیان و ابناء الزمان، به تحقیق احسان عباس، لبنان، دارالثقافة، بی تا.
- ابن شاذان، فضل، الايضاح، به تحقیق سید جلال الدین محدث ارموی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ش.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف، حیدریه، ۱۳۷۶ق.
- ابن القوطیه، محمد بن عمر، تاریخ فتح اندلس، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ش.

- اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین، مقاتل الطالبین، به تحقیق سید احمدصقر، بیروت، اعلی، ۱۴۰۸ق. این اثر توسط م. جواد فاضل با عنوان فرزندان آل ابی طالب به فارسی ترجمه و از سوی کتاب فروشی علی اکبر علمی در ۳ جلد به چاپ رسیده است.
- الله اکبری، محمد، عباسیان؛ از بعثت تا خلافت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱ش.
- امینی، عبدالحسین، الغدیر، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۸۷ق.
- بازورث، کلیفورد ادموند، سلسله‌های اسلامی جدید: راهنمای گاه‌شماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره‌ای، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱ش.
- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، به تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- ———، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره، ۱۳۳۷ش.
- پرویز، عباس، از عرب تا دیالمه، تهران، علمی، ۱۳۶۳ش.
- پیرنیا، حسن و عباس اقبال، ایران از آغاز تا انقراض قاجار، ج ۲، بی‌جا، خیام، ۱۳۸۰ش.
- پور سیدآقای، مسعود و همکاران، درسنامه تاریخ عصر غیبت، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۰ش.
- پیشوایی، مهدی و همکاران، تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهداء علیه السلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹ش.
- پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۷ش.
- تاریخ سیستان (مؤلف ناشناخته)، به تحقیق ملک الشعرا بهار، تهران، کلاله خاور، ۱۳۶۶ش.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، به تحقیق سید جلال‌الدین محدث ارموی، تهران، انجمن آثار ملی ایران، ۱۳۵۳ش.
- جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲ش.
- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، قم، انصاریان، ۱۳۸۰ش.
- ———، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، قم، انصاریان، ۱۳۷۹ش.
- حاجیلو، محمدعلی، بررسی ریشه‌های تشیع در ایران، قم، آشیانه مهر، ۱۳۸۶ش.
- حُرّ، حسین، امام رضا علیه السلام و ایران، قم، نشر معارف، ۱۳۸۳ش.
- حُرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ق.
- حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، ترجمه محمد تقی آیت‌اللهی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷ش.

- حکیمی، محمدرضا، دانش مسلمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- حیدر، اسد، امام صادق علیه السلام و مذاهب چهارگانه، ترجمه حسن یوسفی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹ ش.
- خضری، احمدرضا، تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان دیالمه، تهران، سمت، ۱۳۷۹ ش.
- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۷ ج، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- دریایی، محمدرسول، امام هادی علیه السلام و نهضت علویان، تهران، رسالت قلم، ۱۳۶۱ ش.
- دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن، ترجمه ابوطالب صارمی و همکاران، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
- دیکسون، عبدالامیر عبد، خلافت اموی: ۶۵-۸۶ هـ: بررسی سیاسی، تهران، طهوری، ۱۳۸۱ ش.
- دینوری، ابوحنیفه احمدبن داود، اخبار الطوال، به تحقیق عبدالمنعم عامر، قم، شریف رضی، ۱۳۶۸ ش. این کتاب توسط محمود مهدوی دامغانی به فارسی ترجمه و از سوی نشر نی به چاپ رسیده است.
- رائف، احمد، خاطرة سقوط اندلس، ترجمه محمدرضا انصاری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰ ش.
- رفیعی، علی، تحلیلی از تاریخ دهمین خورشید امامت، امام هادی علیه السلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
- رنجبر، محسن، نقش امام سجاد علیه السلام در رهبری شیعه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰ ش.
- زرین کوب، عبدالحسین، بامداد اسلام؛ داستان آغاز اسلام و انتشار آن تا پایان دولت اموی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹ ش.
- ———، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸ ش.
- شعبان، عبدالحی محمد، فراهم آمدن زمینه‌های سیاسی و اجتماعی: نهضت عباسیان در خراسان، ترجمه پروین ترکمنی آذر، تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۶ ش.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، علل الشرایع، نجف، حیدریه، ۱۳۸۶ ش.
- ———، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷ ش.
- ———، کمال الدین و تمام النعمة، به تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ش.
- طبری، محمدبن جریر، تاریخ الطبری، ۱۱ ج، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ ق. تاریخ طبری توسط ابوالقاسم پاینده به فارسی ترجمه و در ۱۶ مجلد از سوی

انتشارات اساطیر به چاپ رسیده است.

- ، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
- طبسی، محمدجواد، با خورشید سامرا: تحلیلی از زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، ترجمه عباس جلالی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ش.
- طبسی، محمدحسن، امام رضا علیه السلام به روایت اهل سنت، قم، دلیل ما، ۱۳۸۸ش.
- طقوش، محمدسهیل، دولت امویان، ترجمه حجت‌الله جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴ش.
- ، دولت عباسیان، ترجمه حجت‌الله جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ش.
- عاملی، سیدجعفر مرتضی، زندگانی سیاسی هشتمین امام، ترجمه خلیل خلیلیان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶ش.
- ، نگاهی به زندگانی سیاسی امام جواد علیه السلام، ترجمه محمد حسینی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۵ش.
- عرفان منش، جلیل، همگام با امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۹ش.
- علائی حسینی، مهدی، ابومسلم از واقعیت تا افسانه: سیری در دوران حکومت امویان و عباسیان و تحلیلی از قیام ابومسلم خراسانی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش.
- علی دوست خراسانی، نورالله، پرتوی از زندگانی امام صادق علیه السلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ش.
- عنان، محمد عبدالله، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ۵ج، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، کیهان، ۱۳۶۶-۱۳۷۱ش.
- قتال نیشابوری، محمدبن حسن، روضة الواعظین، قم، شریف رضی، بی تا
- فرات کوفی، ابوالقاسم، تفسیر فرات کوفی، به تحقیق محمد کاظم محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- فرهمندپور، فهیمه، تحلیل نیم قرن سیاست‌های تبلیغی امویان در شام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ش.
- فضل‌الله، محمدجواد، تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ش.
- فلوتن، فان، تاریخ شیعه و علل سقوط بنی‌امیه، ترجمه مرتضی هاشمی حائری، تهران، اقبال، ۱۳۲۵ش.

- قرشی، باقر شریف، حیاة الامام موسى بن جعفر عليه السلام: دراسة و تحليل، قم، دارالكتب العلمية، ۱۳۷۸ ش.
- کاظمی پوران، محمد، قیام های شیعه در عصر عباسی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- کشتی، محمد بن عمر، رجال الکشی، به تحقیق حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
- لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه هاشم حسینی، تهران، کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۴۷ ش.
- لیشی، سمیره مختار، مبارزات شیعیان در دوره نخست خلافت عباسیان، ترجمه کاظم طباطبایی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۴ ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- محرمی، غلامحسین، نقش مسجد در جامعه اسلامی از آغاز تا عصر عباسیان، قم، یمین، ۱۳۷۹ ش.
- محمدی، محمد، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، ۴ ج، تهران، توس، ۱۳۷۴ ش.
- مرتضوی، محمد، ولایتعهدی امام رضا عليه السلام، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷ ش.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ۴ ج، به تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجرة، ۱۴۰۹ ق. این کتاب توسط ابوالقاسم پاینده به فارسی ترجمه و از سوی انتشارات علمی و فرهنگی در ۲ جلد چاپ شده است.
- مسکویه رازی، ابوعلی، تجارب الامم، ۷ ج، ترجمه ابولقاسم امامی، تهران، سروش، ۱۳۷۹ ش.
- مصاحب، غلامحسین، دایرة المعارف فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷ ش.
- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، صدرا، ۱۳۶۸ ش.
- —، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۸۰ ش.
- مفتخری، حسین و حسین زمانی، تاریخ ایران از ورود مسلمانان تا پایان ظاهریان، تهران، سمت، ۱۳۸۱ ش.
- مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، قاهره، مکتبه مدبولی، ۱۴۱۱ ق.
- این اثر توسط علینقی منزوی به فارسی ترجمه و توسط شرکت مؤلفان و مترجمان ایران در ۲ جلد منتشر شده است.

- مکی، محمدکاظم، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری، تهران، سمت، ۱۳۸۳ ش.
- ممتحن، حسینعلی، نهضت شعوبیه، جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی، تهران، باورداران، ۱۳۶۸ ش.
- مونس، حسین، سپیده دم اندلس؛ پژوهش در تاریخ اندلس از آغاز فتح اسلامی تا برپایی دولت اموی (۷۵۶-۷۱۱ م.)، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۳ ش.
- نعنعی، عبدالمجید، دولت امویان در اندلس، ترجمه محمد سپهری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ ش.
- نهج البلاغه، به تحقیق صبحی صالح، بیروت، بی نا، ۱۳۸۷ ق.
- وات، ویلیام مونتگمری، تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی، ترجمه حسین عبدالمحمدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ش.
- ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ۴ ج، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲ ش.
- یافعی، عبدالله بن اسعد، مرآة الجنان، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۰ ق.
- یاقوت حموی، شهاب الدین، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵ م.
- یعقوبی، احمد بن واضح، تاریخ الیعقوبی، ۲ ج، بیروت، دار صادر، بی تا.
- این کتاب توسط محمد ابراهیم آیتی به فارسی ترجمه و از سوی انتشارات علمی و فرهنگی نشر یافته است.

